



۲۰۲۰/۰۸/۲۵



م. اسحاق نگارگر

بازگشت به شیطان چراغ



«آمدی خانه ما را تو چراغان کردی»

رفتی و دور و برم سرد چو زندان کردی

گرمی ماه اسد سوخت تن زار مرا

چه بلاها که بدین عاجز حیران کردی

گر چنین زود روی دیر نیایی هیهات

ماه میزان مرا مثل زمستان کردی

کور گردیدم و روی تو ندیدم شبها

کیسه پول مرا چور چو دزدان کردی

یاد باد آن که ترا آمد بی رفتن بود

محفلی گرم مرا سنگ فلخمان کردی

سر به دیوار که از دست تو آخر بزنم؟

که مرا گشته این عشوه خوبان کردی!

پگن این سیم و سوچ را بیر از خانه ما

چشم من کور از این دوده شیطان کردی

تعجب نفرمایید!

این شعر برای برق کابل گفته شده است که به قول ظریفی مانند آخرین نفس رفتن دارد ولی آمدن ندارد. نگارگر ۱۸ آگست



[برای مطالب بیشتر این نویسنده اینجا را کلیک کنید](#)